

ارتباط بین شایستگی حرکتی درک‌شده و شایستگی حرکتی واقعی در کودکان پایه دوم تا چهارم ابتدایی

مجید اسماعیل‌زاده^۱، مهشید زارع زاده^۲، علی رضا صابری کاخکی^۲، مرتضی همایون‌نیا^۳

۱- کارشناسی ارشد رفتار حرکتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

۲- استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

۳- کارشناسی ارشد رفتار حرکتی، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۵/۸

چکیده

هدف تحقیق: هدف از این تحقیق بررسی ارتباط بین شایستگی حرکتی درک‌شده و شایستگی حرکتی واقعی در دختران و پسران پایه دوم تا چهارم ابتدایی بود. **روش تحقیق:** نمونه این پژوهش ۷۸ دختر با میانگین سنی ۸/۶ و ۸۱ پسر با میانگین سنی ۸/۷ بودند که به طور تصادفی از مدارس ناحیه دو شهر کرمان انتخاب شدند. برای ارزیابی شایستگی حرکتی درک‌شده از خرده مقیاس ورزشی نیمرخ خود ادراکی برای کودکان (SPPC) و برای ارزیابی شایستگی حرکتی واقعی از آزمون رشد حرکتی درشت - ۲ (TGMD-2) استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه بین این دو متغیر در دختران و پسران استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج این تحقیق نشان داد بین شایستگی حرکتی درک‌شده و شایستگی حرکتی واقعی هم در دختران و هم در پسران رابطه معناداری اما در یک حد پایینی وجود دارد. **بحث و نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد کودکان قادر نیستند شایستگی خود را با دقت کافی ارزیابی کنند، که این احتمالاً به خاطر تجارب کم حرکتی کودکان و یا کیفیت پایین برنامه‌های آموزشی تربیت بدنی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: خودپنداره، مهارت‌های حرکتی بنیادی، SPPC و TGMD - 2

The relationship between perceived motor competence and actual motor competence in second to fourth grade elementary schools

Abstract

Purpose: The aim of this Study was to investigate the relationship between Perceived motor Competence and Actual Motor Competence in Second to Fourth Grade Boys and Girls. **Methods:** In this study, 78 Females with mean age of 6.8 and 81 Males with mean age of 7.8 who were randomly selected from Schools in the two Cities of Kerman. The Athletic Competence Subscale of Self-perception Profile for Children (SPPC) was used for Evaluate Perceived Motor Competence and Actual Motor Competence was assessed test of gross Motor Development-2 (TGMD-2). For data Analysis were used Pearson correlation coefficients to determine the Relationship Between these two variables in boys and girls. **Results:** The findings of this study indicated there is a low correlation but significant between perceived motor competence and actual motor competence in girls and boys. **Conclusion:** The results showed that children are unable to assess their motor competence accurately, that is probably due to lack of enough movement experiences or inadequacy of physical education programs.

Key words: Self-concept, Fundamental motor skills, SPPC, TGMD - 2

✉ نویسنده مسئول: مجید اسماعیل‌زاده

کرمان، بلوار جمهوری اسلامی، بعد از پل راه‌آهن جنب اداره کل تربیت بدنی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، تلفن: ۰۹۱۵۸۰۶۱۹۵۶

E-Mail: majid.esmaelzade@gmail.com

مقدمه

انسان به عنوان موجودی با شعور همواره در پی شناخت شخصیت، خویش و حفظ سازمان جسمی و روانی خویش بوده است. هر فرد درک خاصی از واژه «خویش» دارد (۱). در این میان خودپنداره عموماً به عنوان آگاهی فرد از ویژگی‌ها، صفات و محدودیت‌های شخصی تلقی شده و در واقع به چگونگی نگرستن فرد به خود بدون داشتن قضاوت مشخصی یا هرگونه مقایسه‌ای با افراد دیگر گفته می‌شود که به ترتیب شامل سلسله مراتب: شایستگی درک‌شده^۱، شایستگی واقعی^۲، اعتماد به نفس، عزت نفس و در نهایت هم خودپنداره^۳ می‌باشد (۲). ادراک فرد از شایستگی خود (کفایت یا شایستگی درک‌شده) ممکن است به عنوان توانایی فرد در مواجه شدن برای دستیابی به خواسته‌های ویژه تلقی شود (۳). شایستگی به سطحی از مهارت شخص اشاره دارد که ممکن است از کم، متوسط تا زیاد در نوسان باشد. همچنین شایستگی درک‌شده عامل مهمی در رشد کیفیت خودپنداره شخص محسوب می‌شود (۳).

ادراک شایستگی یکی از مهم‌ترین متغیرهای پایه و تشکیل‌دهنده انگیزش است (۳). هارتر در بسط نظریه انگیزش شایستگی وایت (۱۹۷۵) به این امر می‌پردازد که کیفیت تجارب شخص به عنوان یک عامل مهم تعیین کننده در رشد شایستگی است. شایستگی تسهیل کننده اعتماد به نفس است و اعتماد به نفس باعث ایجاد پنداری مثبت نسبت به خود می‌شود. شایستگی به غرور و شادی منجر می‌شود، اما امتناع از بروز توانایی منجر به شرمندگی و تردید در خود می‌شود (۴). بنابراین شایستگی ادراک شده بر گرایش و استمرار علاقه و انگیزش به فعالیت و ویژه تأثیر می‌گذارد (۵). بر طبق پیشینه تحقیق، رشد حرکتی و رشد عاطفی و روانی - اجتماعی در تعامل هستند و همچنین مهم‌ترین دوره رشدی زندگی دوره کودکی است. بنابراین کیفیت رشد و تجارب حرکتی کودک تأثیر مهمی بر چگونگی درک کودک از شایستگی خویش و در نتیجه رشد و توسعه خودپنداره دارد (۴). بر مبنای نظریه انگیزش شایستگی هارتر (۱۹۸۱) اگر شخص خود را دارای توانایی جسمانی بداند، به شرکت در فعالیت‌های جسمانی ادامه خواهد داد. از طرفی، اگر او خود را از لحاظ جسمانی ناتوان ببیند، مشارکتش محدود می‌شود و کوشش وی در جهت کسب مهارت به تعویق می‌افتد (۶). بر همین اساس در این

تحقیق یکی از ویژگی‌های روانی، یعنی احساس شایستگی و لیاقت حرکتی دانش‌آموزان دختر و پسر مورد توجه قرار گرفته است. زیرا احساس شایستگی و لیاقت حرکتی از عوامل رشد شخصیت سالم و خودپنداره در کودکان و نوجوانان شناخته شده است و به عنوان یک عامل اثر گذار برای شرکت کودکان در فعالیت بدنی و ورزشی و داشتن سبک زندگی فعال و سالم در بزرگسالی معرفی شده است (۴). از این رو در این مطالعه رابطه بین رشد حرکتی و شایستگی حرکتی درک‌شده در دختران و پسران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

به علاوه احساس درک‌شده فرد از کفایت خود در حوزه‌های تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و جسمانی از پیشینه تجارب فرد در موفقیت یا عدم موفقیت در انجام این اعمال است. تئوری انگیزش هارتر (۱۹۸۱) بیان می‌کند کودکان به سمت فعالیت‌هایی گرایش خواهند یافت که خود را در آن‌ها توانا احساس کنند. در حوزه فعالیت جسمانی و ورزشی از جمله سؤالاتی که برای مربیان و معلمان تربیت بدنی مطرح می‌شود این است که چرا کودکان در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند و چه عواملی مانع از شرکت یا ادامه مشارکت آن‌ها در صحنه‌های ورزشی می‌شود؟

بر طبق مدل نظری رشد حرکتی گالاو یکی از دوره‌های رشد حرکتی، دوره حرکات بنیادی است که دامنه سنی ۲ تا ۷ سالگی را در بر می‌گیرد. دو دسته از این مهارت‌ها، مهارت‌های جا به جایی از جمله دویدن، پریدن و لی لی کردن و مهارت‌های حرکتی کنترل شی از جمله پرتاب و دریافت توپ و ضربه به توپ می‌باشد. مهارت‌های حرکتی بنیادی در زمره حرکات درشت یعنی حرکاتی که مستلزم عمل عضلات بزرگ و تولید کننده نیرو هستند، در نظر گرفته می‌شوند و زیر بنای مهارت‌های ورزشی هستند (۶). نتیجه برخی مطالعات گویای این است که تبحر کودکان در این مهارت‌ها که با عنوان شایستگی حرکتی واقعی مطرح می‌شود با کیفیت خودپنداره و احساس شایستگی حرکتی کودکان در ارتباط است.

مطالعات متعددی اهمیت رشد حرکتی و فعالیت بدنی را در رشد توسعه شایستگی ادراک شده نشان داده است (۷).

¹ Perceived competence

² Actual competence

³ Self concept

اثر گذار بر رابطه بین این دو متغیر و در نتیجه اقدامات انگیزشی جهت مداخله برای افزایش تحرک جسمانی در این تحقیق در پی آن هستیم که:

آیا بین شایستگی حرکتی درک‌شده و شایستگی حرکتی واقعی در کودکان جامعه مورد مطالعه رابطه‌ای وجود دارد؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی - همبستگی و از نظر هدف کاربردی می‌باشد که به صورت میدانی انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق حاضر را دختران و پسران دانش‌آموز پایه دوم، سوم و چهارم ابتدایی ناحیه دو آموزش و پرورش شهر کرمان در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ تشکیل می‌دهند، که از میان آن‌ها تعداد ۷۸ دختر (میانگین سنی ۸/۶) و ۸۱ پسر (میانگین سنی ۸/۷) به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری اطلاعات مورد نیاز از ابزار زیر استفاده شد:

۱. شایستگی حرکتی درک‌شده: برای ارزیابی

شایستگی حرکتی درک‌شده از پرسش‌نامه خود ادراکی برای کودکان^۱ استفاده شد (هارتر، ۱۹۸۵). این پرسش‌نامه که نسخه تجدید نظر شده مقیاس ادراک شایستگی برای کودکان (هارتر، ۱۹۷۹ و هارتر، ۱۹۸۳) می‌باشد، شایستگی درک‌شده کودکان ۸ تا ۱۲ سال را در پنج حوزه شایستگی تحصیلی، پذیرش اجتماعی، شایستگی ورزشی، ظاهر جسمانی، شیوه رفتاری به همراه خود ارزشمندی کلی ارزیابی می‌کند. این پرسش‌نامه در مجموع از ۳۶ سؤال تشکیل شده است که هر ۶ سؤال آن مربوط به یک حوزه می‌باشد. نمره هر سؤال از ۱ تا ۴ متغیر است، به صورتی که نمره ۱ نشان‌دهنده بالاترین حد شایستگی درک‌شده و نمره ۴ نشان‌دهنده پایین‌ترین حد شایستگی درک‌شده می‌باشد. برای ارزیابی هر خرده مقیاس باید نمرات مربوط به آن خرده مقیاس با هم جمع بشوند. در این تحقیق جهت ارزیابی شایستگی حرکتی درک‌شده در دختران و پسران فقط از خرده مقیاس شایستگی ورزشی استفاده شد. آلفای کرونباخ برای این مقیاس در این تحقیق ۰/۷۲ بود.

فعالیت بدنی می‌تواند رشد خودپنداره کودکان را افزایش یا محدود کند، چرا که فعالیت بدنی یک امر قابل توجه در زندگی آن‌هاست. شایستگی در فعالیت‌های بدنی و ورزشی ارزش زیادی برای دختران و پسران دارد و به همین خاطر، یک عامل ضروری در عزت نفس کلی است (۷ و ۸). ارزیابی شایستگی جسمانی ادراک شده نشان می‌دهد که شایستگی ادراک شده نقش بسزایی در انگیزه موفقیت و میزان مشارکت ورزشی کودکان دارد (۸). در همین رابطه تحقیقات مختلفی از جمله سوزان هارتمن (۹)، گووودی و رودسیل (۱۰)، رودسیپ و لیبلیک (۱۱)، ام هیج (۱۲)، دلبرت و همکاران (۱۳) و کیلای (۱۴) وجود رابطه بین شایستگی حرکتی درک‌شده و واقعی را نشان داده‌اند. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که کودکان به خاطر سطح پایین شایستگی ادراک شده یا واقعی خود، اغلب گرایش به سمت بی‌تحرکی جسمانی دارند. به طوری که مورانو و همکارانش (۱۵) نشان دادند، کودکانی که شایستگی حرکتی درک‌شده و واقعی بالاتری دارند (به عنوان مثال؛ کودکانی که اعتقاد دارند در عملکرد ورزشی خوب هستند و مهارت‌های جدید ورزشی را زود یاد می‌گیرند)، دارای سطوح بالاتر فعالیت بدنی نسبت به کودکانی که شایستگی درک‌شده کمتری دارند، هستند و در نتیجه از سطح بالای آمادگی جسمانی برخوردارند و کمتر دچار اضافه وزن یا چاقی می‌شوند (۱۵). بنابراین، ارزیابی پایین فرد از شایستگی جسمانی احتمالاً به کاهش انگیزه‌های مشارکت ورزشی و فعالیت جسمانی در جوانی منجر می‌شود، درحالی که سطوح بالای شایستگی ادراک شده احتمالاً باعث تحریک کودک به مشارکت ورزشی می‌شود (۱۲). از پیشینه تحقیق هم می‌توان چنین نتیجه گرفت که رشد حرکتی درشت یعنی رشد مهارت‌های حرکتی بنیادی در احساس شایستگی و ایجاد انگیزش برای تحرک نقش مهمی دارد (۱۳). لذا یک معلم با شناخت چگونگی ارزیابی و ادراک این کودکان از سطح کفایت و تبحر بدنی و حرکتی خود و همچنین با آگاهی از سطح واقعی رشد حرکتی آن‌ها، می‌تواند برنامه‌ریزی بهتر و مفیدتری را در راستای افزایش فعالیت جسمانی و قوای جسمانی آنان انجام دهد. بنابراین یکی از کاربردهای این مطالعه شناخت رابطه بین رشد حرکتی و شایستگی حرکتی درک‌شده می‌باشد. برای این منظور است که ضرورت مطالعه را می‌توان توجیه کرد. لذا با توجه به نیاز تخصصی جامعه ما جهت پی بردن به عوامل

¹ Self-perception profile for children

شیوه اجرای پژوهش

در ابتدا با اخذ مجوز از اداره آموزش و پرورش ناحیه دو شهر کرمان و همچنین جلب رضایت مدیران مدارس و هماهنگی با معلمین ورزش، نمونه‌های تحقیق به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس از آنجایی که نمونه‌های مورد مطالعه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی بودند شیوه تکمیل پرسش‌نامه با همکاری معلمین ورزش هر مدرسه به طور کامل و واضح برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد. بعد از اتمام این مرحله از هر یک از آزمودنی‌ها به صورت تک به تک آزمون حرکات درشت اولریخ به عمل آمد.

روش آماری

در بخش تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار، جداول) برای تلخیص داده‌ها استفاده شد. همچنین از همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین دو متغیر، بین دختران و پسران استفاده شد. کلیه محاسبات آماری با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS 18 در سطح معناداری ($p \leq 0.05$) انجام گرفت.

یافته‌ها

در جداول زیر یافته‌های مربوط به رابطه هر یک از مؤلفه‌های شایستگی حرکتی واقعی با شایستگی حرکتی درک‌شده بیان شده است.

جدول شماره ۱ میانگین مربوط به نمرات خرده مقیاس شایستگی حرکتی درک‌شده و خرده آزمون جابه‌جایی را نشان می‌دهد. با توجه به میانگین بدست آمده پسران در هر دو متغیر شایستگی حرکتی درک‌شده و خرده آزمون جابه‌جایی بالاتر از دختران می‌باشند. علاوه بر این نتایج ضریب همبستگی اگر چه وجود یک رابطه ضعیف و متوسطی را بین این دو متغیر نشان می‌دهد اما این رابطه مثبت و معنادار است به طوری که این ارتباط در پسران بالاتر از دختران می‌باشد.

جدول شماره ۲ علاوه بر میانگین نمره شایستگی حرکتی درک‌شده در دختران و پسران، میانگین و انحراف استاندارد خرده آزمون کنترل شیء را در هر دو گروه جنسیتی نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود،

۲. شایستگی حرکتی واقعی (مهارت‌های حرکتی

بنیادی): برای ارزیابی شایستگی حرکتی واقعی در دختران و پسران شرکت‌کننده در این تحقیق از نسخه دوم آزمون رشد حرکتی درشت^۱ (اولریخ، ۲۰۰۰؛ TGMD-2) به صورت نمره خرده آزمون جابه‌جایی، کنترل شیء و نمره کل آزمون (جمع نمرات خرده آزمون‌های جابه‌جایی و کنترل شیء) استفاده شد. لازم به ذکر است که در این تحقیق از مهارت "ضربه زدن به توپ ثابت بیسبال" به لحاظ اینکه در جامعه ما رایج نیست، استفاده نشد (۱۴).

TGMD-2 آزمونی است فرآیند مدار که رشد مهارت‌های حرکتی بنیادی کودکان سه تا ۱۱ سال را می‌سنجد و نتایج آن به دو صورت هنجاری و ملاکی قابل تفسیر است. این آزمون که در منابع سنجش و رشد حرکتی از جمله رایج‌ترین آزمون‌های سنجش در حوزه تربیت بدنی معرفی شده است، کاربری آن برای شناسایی کودکان دارای تأخیر رشد حرکتی درشت، سنجش پیشرفت کودک در این مهارت‌ها، برنامه‌ریزی آموزشی برای رشد مهارت‌های حرکتی درشت و ارزیابی کیفیت این برنامه‌ها، تأیید شده است. TGMD-2 از دو خرده آزمون جابه‌جایی و کنترل شیء تشکیل شده است. هر خرده آزمون شش مهارت حرکتی بنیادی را شامل می‌شود.

مهارت‌های خرده آزمون جابه‌جایی عبارتند از: دویدن، یورتمه رفتن، لی لی، گام کشیده، پرش افقی و سرخوردن و مهارت‌های کنترل شیء نیز عبارتند از: ضربه زدن به توپ ثابت، دریبل درجا، گرفتن (دریافت)، ضربه زدن با پاهای پرتاب از بالای شانه و غلتانیدن از پایین.

زارع زاده (۱۳۸۸) پایایی و روایی TGMD-2 را با استفاده از داده‌های بدست آمده از یک نمونه ۱۴۳۸ نفری از کودکان ۳ تا ۱۱ سال تهرانی برای خرده آزمون‌های جابه‌جایی و کنترل شیء به ترتیب برابر با ۰/۷۸، ۰/۷۴ گزارش کرد. به علاوه روایی سازه آزمون نیز از طریق تحلیل عاملی اکتشافی تأییدی بررسی شد که ساختار دو عاملی آزمون و وجود دو سازه جابه‌جایی و کنترل شیء و سازه اصلی رشد حرکتی درشت برای جامعه مورد نظر مورد تأیید واقع شد (زارع زاده، ۱۳۸۸).

آلفای کرونباخ برای پایایی همسانی درونی TGMD-2 در جامعه این تحقیق برای خرده آزمون جابه‌جایی ۰/۹۴، خرده آزمون کنترل شیء ۰/۸۸ و نمره کل آزمون برابر با ۰/۹۲ بود.

^۱ Test of gross motor development-2

جدول ۱. نتایج ضریب همبستگی بین شایستگی حرکتی درک‌شده و خرده آزمون جابه جایی

p	ضریب همبستگی پیرسون	خرده آزمون جابه جایی		شایستگی حرکتی درک‌شده		تعداد	جنسیت
		انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین		
۰/۰۰	۰/۳۶	۵/۱	۳۵/۱	۱/۸	۱۸/۶	۸۱	پسران
۰/۰۰	۰/۳۰	۵/۱	۲۸/۹	۲/۱	۱۵/۳	۷۸	دختران

جدول ۲. نتایج ضریب همبستگی بین شایستگی حرکتی درک‌شده و خرده آزمون کنترل شیء

p	ضریب همبستگی پیرسون	خرده آزمون کنترل شیء		میانگین شایستگی حرکتی درک‌شده	تعداد	جنسیت
		انحراف استاندارد	میانگین			
۰/۰۰	۰/۳۳	۲۱/۸	۲۸/۵	۱۸/۶	۸۱	پسران
۰/۰۱	۰/۲۷	۵/۳	۴/۱	۱۵/۳	۷۸	دختران

جدول ۳. نتایج ضریب همبستگی بین شایستگی حرکتی درک‌شده و نمره کل آزمون حرکتی درشت

p	ضریب همبستگی پیرسون	نمره کل آزمون حرکتی درشت		میانگین شایستگی حرکتی درک‌شده	تعداد	جنسیت
		انحراف استاندارد	میانگین			
۰/۰۰	۰/۴۳	۵/۳	۶۴/۶	۱۸/۶	۸۱	پسران
۰/۰۰	۰/۳۰	۸/۵	۴۹/۱	۱۵/۳	۷۸	دختران

صورت گرفته است با یافته‌های این تحقیق هم‌خوانی می‌کند. به طوری که رودسیل و همکارانش (۱۰) با انجام تحقیقی به تعیین رابطه بین شایستگی حرکتی درک‌شده و واقعی در ۲۱۸ دختر و پسر با دامنه سنی ۹ تا ۱۱ سال پرداخت. نتایج نشان داد که بین شایستگی حرکتی درک‌شده و شایستگی حرکتی واقعی رابطه وجود دارد. مارش (۱۶) در تحقیقی به بررسی ارتباط بین آمادگی جسمانی و خودپنداره بدنی در بین ۱۱۳ پسر و ۷۹ دختر پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان دادند که ارتباط مستقیم و معناداری بین نمره کلی آمادگی جسمانی و نمره کلی خودپنداره بدنی آزمودنی‌ها وجود دارد. لینارت لارسیپ و راین لیبلیک (۱۷) تحقیقی با هدف تعیین رابطه‌ی بین شایستگی حرکتی درک‌شده و واقعی در ۲۸۰ کودک با دامنه سنی ۱۰ تا ۱۳ سال انجام دادند. تجزیه و تحلیل رگرسیون و همبستگی نشان داد که شایستگی حرکتی درک‌شده و واقعی به طور معناداری با یکدیگر ارتباط دارند، که این معناداری به طور متوسط و معتدله‌ای بود. به عبارت دیگر این یافته‌ها نشان داد که کودکان ۱۰ تا ۱۳ سال فقط به طور متوسط می‌توانند شایستگی حرکتی خود را ارزیابی کنند. ام هیچ (۱۲) در مطالعه‌ای به تعیین

پسران اجرای بهتری در خرده آزمون کنترل شیء نسبت به دختران داشته‌اند. همچنین نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که از لحاظ آماری بین این دو مؤلفه هم در دختران و هم در پسران رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد اما این رابطه در حد متوسط و ضعیفی می‌باشد.

در جدول ۳، میانگین و انحراف استاندارد نمره کل آزمون حرکتی درشت ارائه شده است. نتایج گویای این است که نمره کل آزمون حرکتی درشت در پسران نسبت به دختران بالاتر می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین شایستگی حرکتی درک‌شده و مهارت‌های حرکتی بنیادی (حرکات درشت) در کودکان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از تحقیق حاضر بررسی ارتباط بین شایستگی حرکتی درک‌شده و شایستگی حرکتی واقعی در کودکان بود. نتایج نشان داد بین شایستگی حرکتی درک‌شده و شایستگی حرکتی واقعی که شامل مؤلفه‌های مهارت‌های حرکتی بنیادی بود، ارتباط مثبت، اما در حد متوسط و ضعیفی وجود دارد. نتایج تحقیقات زیادی که در گذشته

رابطه‌ی بین آمادگی جسمانی و شایستگی حرکتی در کودکان ۹ تا ۱۰ سال (میانگین سنی ۹/۷) پرداخت. نتایج نشان داد که یک رابطه معناداری بین شایستگی حرکتی و آمادگی جسمانی وجود دارد. رابینسون لی (۲۰۱۱) نیز تحقیقی را با عنوان رابطه بین شایستگی بدنی درک‌شده و مهارت‌های حرکتی بنیادی در ۱۱۹ کودک با میانگین سنی ۴ سال انجام داد. نتایج نشان داد که یک ارتباط متوسط و معناداری بین شایستگی حرکتی درک‌شده و مهارت‌های حرکتی بنیادی وجود دارد. همچنین کیم تی تا (۱۸) به مطالعه رابطه بین شایستگی حرکتی واقعی و شایستگی بدنی درک‌شده در ۱۱۲ کودک کم توان ذهنی با درجه متوسط پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که یک رابطه معناداری بین شایستگی حرکتی درک‌شده و شایستگی بدنی درک‌شده در این کودکان وجود دارد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود نتایج تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته است نشان می‌دهد بین شایستگی حرکتی درک‌شده و شایستگی حرکتی واقعی رابطه معناداری اما در یک حد ضعیف وجود دارد. مطالعاتی نشان داده است که کودکان ۴ تا ۶ سال شایستگی حرکتی خود را به صورت غلو آمیزی درک می‌کنند. از یک دیدگاه ادراکی، پیازه معتقد است که کودکانی که در این دوره سنی قرار دارند، توانایی شناختی مورد نیاز برای اظهار تأیید تجارب شخصی خود را دارند اما قادر نیستند همه این اطلاعات را برای دقت در ادراک شایستگی خود با یکدیگر ترکیب کنند. به خاطر اینکه کودکان در این سن هنوز در مرحله پیش عملیاتی در رشد شناختی قرار دارند و تا به مرحله شناخت عینی نرسند قادر نیستند این اطلاعات را برای ارزیابی بهتر با هم ترکیب کنند (۱۷). از دیگر عواملی که کودکان این دوره سنی قادر نیستند شایستگی خود را با دقت بالایی ارزیابی کنند تجارب حرکتی پایین آن‌ها می‌باشد. گودوی (۱۰) معتقد است اگر تجارب حرکتی کودکان با آموزش و دستورالعمل‌های بازخوردی همراه باشد کودکان بالاتر از ۴ سال می‌توانند شایستگی خود را با دقت بالاتری ارزیابی کنند. بنابراین طراحی یک دوره برنامه‌های تمرینی مناسب می‌تواند شایستگی حرکتی درک‌شده کودکان را به واسطه شایستگی حرکتی واقعی آن‌ها افزایش دهد. اما هارت (۱۱)، بیان می‌کند که دقت ادراک کودکان در سن ۸ سالگی بهبود پیدا می‌کند. به طوری که این دقت در ارزیابی، تا سن ۱۲ سالگی در یک سطح متوسطی باقی

می‌ماند. به خاطر اینکه ظرفیت شناختی کودکان در این سن افزایش پیدا کرده است و تجارب حرکتی کودکان به سطح بالایی رسیده است کودکان در این دوره سنی نسبت کودکان جوان تر از خود با دقت بالاتری شایستگی خود را درک کنند و ارتباط ادراک از شایستگی خود با دیگر متغیرها از جمله رشد حرکتی درشت در حد پایین‌تری نسبت به گروه‌های سنی پایین، منعکس می‌شود. که برای ما نیز چنین است. بنابراین می‌توان ارزیابی کودکان تحقیق را از درک شایستگی حرکتی خود به پنداشت ناصحیح و یا غلوآمیز از این متغیر دانست. از آنجا که بر طبق تئوری رشد شناختی پیازه سطح شناختی کودکان تحقیق در مرحله عملیات عینی است، کودک قادر به تفکر منطقی می‌باشد. لذا نمی‌توان ارزیابی ضعیف کودک نسبت به شایستگی حرکتی خود را به سطح رشد شناختی نسبت داد. به نظر می‌رسد تجربه حرکتی در این زمینه دخیل باشد. از آنجایی که به مقوله مهم فعالیت بدنی و ورزش متناسب با نیازهای رشدی در مدارس جامعه ما کمتر پرداخته می‌شود و از طرفی آگاهی پایین خانواده‌ها به خصوص والدین درباره اهمیت پرداختن به ورزش و فعالیت بدنی در دوران رشد و همچنین ماشینی شدن زندگی امروزه و عادت بیش از حد کودکان به وسایل سرگرم کننده از جمله تلویزیون، کامپیوتر، اینترنت باعث شده است تا کودکان جامعه ما از فعالیت حرکتی و ورزش کردن فاصله بگیرند. در کنار همه این عوامل آگاهی و اطلاعات نه چندان زیاد معلمین ورزش و تربیت بدنی از نیازهای حرکتی کودکان در دوران مختلف رشدی باعث شده است تا کودکان جامعه ما نسبت به کودکان دیگر جوامع به لحاظ رشد مهارت‌های حرکتی بنیادی ضعیف تر باشند. همه این عوامل باعث خواهند شد تا علاوه بر پایین بودن سطح تجارب حرکتی کودکان، کفایت، شایستگی و اعتماد به نفس کودکان در زمینه انجام فعالیت‌های بدنی و ورزش کردن کاسته شود. باسچر و همکاران (۱۸) نیز نشان داده است کودکانی که با تأخیر رشدی روبه رو هستند به خاطر تجارب ناموفق آن‌ها در فعالیت‌های بدنی، شایستگی حرکتی خود را در سطح پایین و ضعیفی ارزیابی می‌کنند. به طوری که فلایرز ای و همکارانش (۸) در مطالعه‌ای به تبیین شایستگی حرکتی درک‌شده و واقعی در کودکان بیش فعال و کم توجه و مقایسه آن با خواهران، برادران و همسالان پرداختند. شرکت‌کنندگان در تحقیق ۱۰۰ کودک

آمده از آزمون رشد حرکتی درشت (اولریخ، ۲۰۰۰)، ضعف مهارت‌های حرکتی بنیادی مشهود بود. لذا مشخص است برنامه‌های آموزشی که در حال حاضر در مدارس ابتدایی اجرا می‌شود جهت افزایش و ارتقاء مهارت‌های حرکتی بنیادی که مختص این دوره سنی می‌باشد، کفایت نمی‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود سازمان آموزش و پرورش به این مهم توجه خاص داشته و برنامه‌ریزی مناسبی را در زمینه بهبود کیفیت محتوای درس تربیت بدنی دوره دبستان جهت ارتقاء توانایی‌ها و مهارت‌های حرکتی کودکان انجام دهد. به علاوه با توجه به اینکه سطح رشد حرکتی درشت کودکان این مطالعه پایین بود، پیشنهاد می‌شود معلمان تربیت بدنی با چگونگی سنجش و ارزیابی مهارت‌های حرکتی کودکان از جمله آزمون رشد حرکتی درشت (اولریخ، ۲۰۰۰) آشنا شده تا در صورت نیاز کودکانی را که به لحاظ رشد حرکتی با تأخیر روبه رو هستند را شناسایی و مداخله لازم را انجام دهند، و در پایان با توجه به اهمیت مهارت‌های حرکتی درشت و بنیادی در رشد و رشد همه جانبه کودکان، ضرورت تشخیص به موقع تأخیر رشدی این مهارت‌ها جهت برنامه‌ریزی آموزشی حرکتی بسیار مورد توجه است.

و نوجوان با دامنه سنی ۶ - ۱۷ سال بودند. نتایج نشان داد هر چند هیچ رابطه‌ای بین اجرای حرکتی و شایستگی حرکتی درک‌شده وجود ندارد، اما کودکانی که اجرای حرکتی خیلی پایین‌تری داشتند، ادراک آن‌ها از توانایی خود به میزان قابل توجهی کمتر می‌باشد. بنابراین مشخص است که کودکان این تحقیق از یک سطح مطلوبی از شایستگی، اعتماد و انگیزه جهت فعالیت بدنی برخوردارند، از طرفی هم نتایج نشان داد که سطح مهارت‌های حرکتی بنیادی در کودکان مورد مطالعه در حد مطلوبی نیست. لذا مشخص است برنامه‌های آموزشی که در حال حاضر در مدارس ابتدایی اجرا می‌شود جهت افزایش و ارتقاء مهارت‌های حرکتی بنیادی که مختص این دوره سنی می‌باشد، کفایت نمی‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود سازمان آموزش و پرورش به این مهم توجه خاص داشته و برنامه‌ریزی مناسبی را در این زمینه انجام دهند. از طرفی هم به معلمان تربیت بدنی توصیه اکید می‌شود که بجای پرداختن تنها به ورزش‌هایی توپی، توسعه قوای جسمانی یا توسعه مهارت‌های ابتدایی ورزشی و یا غیره در زنگ‌های ورزش، به خصوص در سال‌های اولیه دوره ابتدایی، به افزایش و توسعه مهارت‌های حرکتی بنیادی که از اسم آن هم پیداست این حرکات بنیاد و پایه ورزش‌های مختلف در طی زندگی می‌باشند، بپردازند.

نتیجه‌گیری

بنا به نتایج تمامی تحقیقاتی که در این زمینه ذکر شد، اکثر قریب به اتفاق تحقیقات همانند تحقیق حاضر، نشان دادند که بین شایستگی حرکتی درک‌شده و شایستگی حرکتی واقعی ارتباط معناداری وجود دارد، نتایج این تحقیق نیز نشان داد بین این دو مؤلفه در کودکان مورد مطالعه ارتباط وجود دارد. با توجه به اینکه رشد حرکتی درشت از واسطه‌های مداخله‌گر جهت داشتن سبک زندگی فعال معرفی می‌شود، وجود یک برنامه آموزشی مناسب جهت افزایش و ارتقاء مهارت‌های حرکتی بنیادی که پایه و اساس حرکات آنان در بزرگسالی است، ضروری می‌باشد. همچنین با توجه به مبانی نظری و ادبیات تحقیق وجود این رابطه بین رشد حرکتی و خودارزیابی فرد از توانایی‌های حرکتی خود به عنوان یک واسطه انگیزشی جهت داشتن تحرک جسمانی لحاظ می‌شود. با این حال با نتایج بدست

منابع

- 10- Goodway J.D., rudisill E. (1997). Perceived physical competence and actual motor competence of african American preschool children. *Journal of Development Behavior Pediatric*. 21(4):17-26.
- 11- Rudisill ME., Mahar MT., Meaney KS. (1993).The relationship between children's perceived and actual motor competence.*Journal of Perceptual Motor Skills*.76(3 Pt 1):895-906.
- 12- M Haga. (2008).The relationship between physical fitness and motor competence in children. *Child Care, Health and Development*. Oxford. Vol. 34, Iss. 3; pg. 329.
- 13- Delbert Graves. (2008). the relationship between perceived physical competence and fundamental motor skill performance in young children. *Journal of Perceptual Motor Skills*. 118(1Pt 1):814-823.
- 14- Kathleen Kelly., Sheila. (2010). Relationship among Motor Skill Development, Aerobic capacity, Body Composition, And Perceived Competence of Fourth Grade School Children. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 25(1) 123-137.
- 15- M. Morano, D., Colella C., Robazza L., Bortoli L. (2010). Physical self-perception and motor performance in normal-weight, overweight and obese children, Capranica, Article first published online: 31.
- 16- Marsh H. W. (1997). The measurement of physical self-concept: a construct validation approach. In: R Fox(ED), *The physical self-perception: from motivation to well-being*, Illinois. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 18. 111-131.
- 17- Lennart Raudsepp., Rainoliblik. (2002). Relationship of Perceived and Actual Motor Competence in Children. *Perceptual and Motor Skill*. 76(3 Pt 1):895-906.
- 18- Kim, Ji-Tae. (2003). Perceived physical and actual motor competence in Korean children with mild mental retardation: Relationship to age, gender, and parental physical activity, Michigan State University, 174 pages.
- 19- CBoscher R., Beek P., Doreleijers T. (2009). Gross motor performance and self-perceived motor competence in children with emotional, behavioral, and pervasive developmental disorders: a review. *DevMed Child Neurol*. 51(7):501-17.
- ۱- قدم‌پور عزت‌الله، سرمد زهره (۱۳۸۲). نقش باورهای انگیزشی در رفتار کمک‌طلبی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، *مجله روانشناسی* ۲۶. سال هفتم، شماره ۲.
- ۲- سیف، دیبا. بشاش، لعیبا. لطیفیان، مرتضی (۱۳۸۳)، تأثیر ابعاد ادراک خود بر روابط اجتماعی با همسالان در نوجوانان مراکز آموزشی استعدادهای درخشان و مدارس عادی، *مجله روانشناسی* ۲۹، سال هشتم، شماره یک، بهار.
- 3- Anne A Poulsen, Laura Desha, Lisa Griffiths, Asad khan. (2011). Fundamental movement skills and self-concept of children who are overweight. *International journal of Pediatric Obesity*. Volume, Issue Part, pages e464– e471.
- 4- Attilio Carraro, Stefano Scarpa, Laura Ventura. (2010). Relationships between physical self-concept and physical fitness in Italian adolescents. *Perceptual motor skills*. 110 (2):522-563.
- 5- Hartman, Rob Pieters. (2008). Perceived and actual motor competence of children treated for cancer with vincristine containing chemotherapy. *Pediatric Blood & Cancer* Volume 51, pages 306–307.
- ۶- حمایت‌طلب رسول، موحدی احمدرضا، فارسی علیرضا و فولادیان جواد (مترجمین) (۱۳۹۰). درک رشد حرکتی در دوران مختلف زندگی. انتشارات علم و حرکت، صفحات ۴۲۹ الی ۴۵۲.
- 7- Weiss MR., Horn TS. (1990). The relation between children's accuracy estimates of their physical competence and achievement-related characteristics. *Research Quarterly for Exercise and Sport*. 61(3):250-8
- 8- Fliers EA., de Hoog ML., Franke B., Faraone SV., Rommelse NN., Buitelaar JK., Nijhuis-van der Sanden MW.(2010). Actual motor performance and self-perceived motor competence in children with attention-deficit hyperactivity disorder compared with healthy siblings and peers. *Journal of Development Behavior Pediatric*. 31(1):35-40.
- 9- Suzzanehouwen, Esther Hartman, Chrisvisscher. (2010). The Relationship among Motor Proficiency, Physical Fitness, and Body Composition in children with and without visual impairments. *Research Quarterly for Exercise and Sport*; 81, 3; pg. 290.